

فصل هشتم

نقش آب در صلح اعراب و اسرائیل

چنانچه با نگرشی تاریخی به مسئله آب و جدال‌ها و یا همکاری‌هایی که بر سر آن صورت گرفته نظر بیافکنیم این حقیقت انکارناپذیر را به خوبی در می‌یابیم که این منبع حیاتبخش تاکنون هم منشأ بروز خشونت‌ها و هم در نهایت محوری برای بازگشت به صلح و همکاری بوده است. شاید با تکیه بر این حافظه تاریخی و تجارب انباشته شده بشری است که بسیاری از محققان مسائل خاورمیانه عربی، آب را کلید صلح در خاورمیانه می‌دانند. صحت این مدعا هنگامی به درستی روشن خواهد گردید که ابتدا نقش موجهه آب در پیدایش مناقشات محرز شده باشد. البته پیداست که اگر نقش آب در پیدایش مناقشات تأیید شود، در آن صورت با توجه به ماهیت معکوس عرضه و تقاضای این عصاره حیات (کاهنده بودن منابع و فزاینده بودن نیازمندی‌های آبی)، تردیدی باقی نخواهد ماند که نقش آن در سازش اعراب و اسرائیل بسیار مهمتر و قابل اعتنا تر خواهد بود. برای انجام این بررسی ابتدا نقش آب در ایجاد منازعات اعراب و اسرائیل را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

● نقش آب در منازعات اعراب و اسرائیل

در اختیار داشتن آب‌های منطقه مدت‌ها پیش از پیدایش اسرائیل، به عنوان یکی از نخستین ضرورت‌های این رژیم نوپا، سیاست‌های صهیونیست‌های اولیه را رقم می‌زد. یادداشت ۶ دسامبر ۱۹۱۹ جنبش صهیونیسم یکی از شواهد این مدعاست. در این یادداشت آمده است: «حقیقت اساسی در مورد مرزهای فلسطین (اسرائیل) این است که باید آب‌های لازم برای آبیاری و تأمین نیروی برق را به داخل این مرزها هدایت کرد و این شامل بسر رودخانه لیتانی و منابع آب‌های اردن و برف‌های جبل‌الشیخ می‌شود.»^(۱)

هرتزل که یکی از مؤسسين جنبش صهیونیسم است در کتاب «ارض جدید - ارض قدیم» بر ضرورت الحاق مناطق پر آب به قطعه زمینی که برای ایجاد «میهن یهودی» مورد هدف

۱. مؤسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن، (تهران: انتشارات بین‌الملل اسلامی، ۱۳۶۳)، ص ۲۱.

صهیونیست‌ها بود، تأکید کرد. رعنان نیز در کتاب خود تحت عنوان «مرزهای امت»، نقشه‌های توسعه طلبانه صهیونیسم نسبت به منابع آب را چنین خلاصه کرد:

«چون هدف سازمان صهیونیسم جمع نمودن تعداد زیادی از یهودیان در سرزمینی با مساحت محدود است. لازم است که پروژه‌های آبیاری گسترده‌ای تهیه شود و چون منابع آب در فلسطین محدود است لذا این پروژه‌ها توسعه داده می‌شود تا زمین‌های واقع در شمال و شمال شرقی فلسطین را دربرگیرد، تا به منابع اردن و رودخانه لیتانی و برف‌های حرمون و یرموک متصل شود. به علاوه چون کشور از لحاظ زغال و نفت فقیر است لذا باید در پروژه‌های صنعتی به تولید برق که می‌توان آن را از لیتانی و یرموک تأمین کرد اتکاء کرد».^(۱)

سازمان صهیونیسم بین‌الملل طی یادداشتی که در سوم فوریه ۱۹۱۹ خطاب به شورای عالی کنفرانس صلح پاریس ارسال داشت، از کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس صلح پاریس خواست حق تاریخی ملت یهود را در تأسیس یک میهن قومی در فلسطین به رسمیت بشناسند. در این یادداشت آمده است:

«بسیار مناسب است مساحت فلسطین (اسرائیل) تا جایی که ممکن است، وسیع باشد. تا کشور به مرور زمان بتواند گنجایش گروه‌های بیشتری از ساکنان مرفه را داشته باشد. زندگی اقتصادی فلسطین (اسرائیل) مانند هر کشور نیمه خشک به وفور منابع آب متکی است. لذا حیاتی است که به منابع موجود اکتفا نشده و آب‌ها را در جایی جمع کرده و بر منابع آن مسلط شد».^(۲)

اصولاً صهیونیسم از هنگامی که تصمیم گرفت کشوری در فلسطین تأسیس کند، می‌دانست که منابع آب چنین کشوری محدود خواهد بود و برای توسعه آن و اسکان مهاجران کفایت نخواهد کرد. بنابر این حتی پیش از تأسیس این رژیم به جستجوی منابع آب در کشورهای عربی هم مرز آن پرداخت.

۱. همان منبع، ص ۵۰ به نقل از:

H. F. Raanan, The Frontiers of a Nation, P. 87.

2. Miriam R. Lowi, op, cit, p.40.

به طور کلی سیاست‌های آبی اسرائیل چهار مرحله را پشت سر نهاده است: مرحله نخست عبارت است از چانه‌زنی این رژیم بر سر منابع آب، ویژگی بارز مرحله دوم تمرکز توجه اسرائیل به توسعه منابع ملی و مشترک آب است؛ سومین مرحله از سیاست‌های آبی اسرائیل به اشغال و تصرف سرمنشاه‌های منابع آب منطقه اختصاص دارد و چهارمین مرحله که هنوز هم ادامه دارد، بازگشت این رژیم به سیاست چانه‌زنی است. آنچه منجر مشترک همه این مراحل و محور اصلی سیاست‌های اسرائیل است، تلاش مستمر آن رژیم برای دسترسی هر چه بیشتر به منابع آب منطقه است.^(۱) ما در ادامه این مبحث این مراحل چهارگانه را که ضمناً بیانگر نقش آب هم در مناقشات اعراب و اسرائیل و هم در مذاکرات سازش آنان است بازگو خواهیم کرد.

۱- مرحله نخست: چانه‌زنی برای آب (۱۹۴۸-۱۹۱۸)

از نخستین روزهای شکل‌گیری نهضت سیاسی صهیونیسم به ویژه پس از جنگ جهانی اول و وعده بالفور مبنی بر تشکیل دولت یهودی در فلسطین، اندیشه تأمین آب‌های مورد نیاز آن، هسته مرکزی سیاست‌های صهیونیست‌ها را تشکیل می‌داد. هیچ چیزی بیش از آرمان معروف صهیونیست‌ها «حدودک یا اسرائیل من الفرات الی النيل» مؤید این تلاش‌ها نیست. این شعار استراتژیک بیش از آنکه نشانگر مطامع ارضی صهیونیست‌ها باشد، بیانگر اهمیت ویژه‌ای است که آنان برای آب قائلند. ما در آغاز این فصل به پاره‌ای از چانه‌زنی‌های رهبران صهیونیسم در خصوص ضرورت گسترده بودن مرزهای اسرائیل که در واقع به منظور در اختیار داشتن منابع استراتژیک آب منطقه صورت گرفته است، اشاره کردیم. اقدامات آنان صرفاً به ارائه دیدگاه‌های کلی و بیان آمال و آرزوهای خویش منحصر نگردید، بلکه تلاش‌های دقیق و حساب شده‌ای را به دنبال داشت که تجلی آن‌ها را در طرح‌های ارائه شده‌ای که ذیلاً به اهم آن‌ها اشاره خواهد شد، می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

1. Mostafa Dolatyar, "Water Diplomacy in the Middle East," The Iranian Journal of International Affairs, Vol. VII, No. 3, (Fall 1995), p. 603.

۱-۱- طرح وایزمن:

وایزمن رهبر صهیونیست‌ها و نخستین رئیس جمهور اسرائیل در نامه‌ای به لرد کرزون وزیر امور خارجه انگلستان بر ضرورت و اهمیت بسیار زیاد رودهای لیتانی، یرموک، اردن و شاخه‌های آن برای ادامه حیات و امنیت اسرائیل تأکید کرد. اما هنگامی که رهبری اسرائیل نتوانست رودهای لیتانی و اردن را تحت سیطره خویش در آورد تلاش نمود تا با اسکان یهودیان در لبنان و سوریه به اهداف خود برسد، اما فرانسه که بر سرنوشت این کشورها سلطه داشت، جلوی تحقق این کار را گرفت. البته مخالفت فرانسه مانع از تحقیقات هیدرولوژیکی صهیونیست‌ها نشد و آنان مطالعات خویش را برای اقدامات آتی ادامه دادند.^(۱)

۱-۲- طرح لاودرمیلک:

آژانس یهود در سال ۱۹۳۸ این خاکشناس معروف آمریکایی را به فلسطین اعزام کرد تا گزارشی در مورد آب‌های آنجا تهیه نماید. این مهندس آمریکایی بررسی‌های وسیع و عمیقی به عمل آورد. نتایج این بررسی‌ها که در سال ۱۹۴۴ ارائه شد، هنوز هم اساس تمامی پروژه‌های آبرسانی در اسرائیل است.^(۲) اسرائیلی‌ها به سبب اهمیتی که برای این طرح قائلند از آن به عنوان قانون اساسی آب خود یاد می‌کنند.^(۳) محورهای اساسی این طرح عبارتند از: تغییر جریان آب‌های رود اردن از بستر طبیعی آن به منطقه ساحلی و از آنجا به صحرای نقب، از طریق تسلط بر آب‌های حاصبانی و بانیا.

۱-۳- طرح هایز:

هایز نیز در دهه ۴۰ از سوی آژانس یهود مأموریت یافت جهت تهیه یک طرح عمومی تحت

1. Ibid, p. 604.

۲. مؤسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، پیشین، ص ۵۷.

3. Mostafa Dolatyar, op. cit, p. 604.

عنوان «گنجینه آب در خاک اسرائیل» از حوزه رود اردن دیدار نماید. وی سوریه، لبنان، شرق اردن و اسرائیل را به عنوان مقدمه‌ای جهت تهیه طرحی به منظور انتقال آب از یک محل به محل دیگر، جهت افزایش اراضی زیر کشت در اسرائیل، در حوزه تحقیقات خود قرار داد. طرح هائیز در سال ۱۹۴۷ به کمیته ویژه سازمان ملل متحد در امور مربوط به فلسطین ارائه گردید. هدف نهایی این طرح استفاده از آب رودخانه‌های اردن و لیتانی برای آبیاری صحرای نقب در اسرائیل، ذخیره سیلاب‌های یرموک در دریاچه طبریه و احداث یک کانال از ساحل مدیترانه به بحرالمت بود و همان گونه که ملاحظه می‌شود عمدتاً متضمن منافع اسرائیلی‌ها بود.^(۱)

البته طرح‌های اسرائیل به اینجا ختم نمی‌شود. اما از این دوره به بعد توسعه منابع ملی و منابعی که اسرائیل نیز سهمی از آن‌ها را دارد مورد توجه بیشتر آن رژیم قرار می‌گیرد.

۲- مرحله دوم: دوره توسعه منابع ملی و مشترک آب (۱۹۶۷-۱۹۴۸)

به دنبال پیدایش اسرائیل و تصویب «قانون بازگشت» در سال ۱۹۵۰، مهاجران یهود از اقصی نقاط جهان راهی این سرزمین گردیدند. این مهاجرت‌های گسترده، منابع وسیع آب را برای رفع نیازمندی‌های ساکنان جدید اقتضاء می‌کرد. اسرائیل برای تأمین این تقاضاهای فزاینده همزمان دو راه در پیش گرفت: ابتدا کلیه منابع آب را ملی اعلام کرد و سپس مراکزی را جهت برنامه‌ریزی در خصوص بهره‌برداری بهینه از منابع موجود، ایجاد شبکه‌های توزیع، ایجاد سدها، سهمیه‌بندی و قیمت‌گذاری آب ایجاد کرد که پیشتر با تفضیل بیشتری از آن سخن گفتیم. احداث کانال بزرگی موسوم به کانال ملی حمل آب که عملیات آن در ۱۹۶۴ به پایان رسید نیز از دیگر اقدامات مهمی بود که در این راستا انجام شد. دومین راهکاری که اسرائیل در این مقطع مورد توجه قرار داد بررسی زمینه‌های همکاری در خصوص منابع مشترک به ویژه آب‌های اردن و یرموک بود. در واقع در این مرحله آب علاوه بر نقش داخلی و سنتی خود در توسعه کشورهای مختلف حوزه رود اردن یک

۱. برای اطلاع بیشتر از این طرح بنگرید به: سلیم‌الحص، «مطامع رژیم صهیونیستی نسبت به منابع آب لبنان»، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۳/۳/۳.

بعد دیگری نیز پیدا کرد و آن نقش آب به عنوان یک موضوع روابط خارجی این کشورها اعم از رژیم اسرائیل و اعراب بود.^(۱) در این ایام طرح‌های جدیدی مطرح شد که اهم آن‌ها عبارتند از:

۲-۱- طرح جانسون:

این طرح، از سوی اریک جانسون نماینده ویژه آیزنهاور که در سال ۱۹۵۳ به منطقه اعزام شد، ارائه گردید. وی با الهام از ایده‌ای که به وسیله واحد سرپرستی «دره تنسی» آمریکا مطرح شده بود، با استفاده از موقعیت دریاچه طبریه به عنوان یک مخزن اصلی، سیستمی را جهت سهمیه‌بندی آب برای کشورهای مجاور رودخانه ارائه نمود. این سیستم احداث سدهای ذخیره‌سازی آب بر روی رودخانه‌های حاصبانی، دان و بانیاس را برای آبیاری منطقه طبریه در شمال اسرائیل و در مقرین و عدیسیه جهت آبیاری دره اردن، پیش بینی کرده بود. این طرح به دلیل مخالفت‌های اعراب به ویژه لبنان ناکام ماند، اگر چه راه را برای بررسی‌های بعدی در زمینه سیستم سهمیه‌بندی آب برای کشورهای مجاور رود اردن تا حدودی هموار کرد.^(۲)

۲-۲- طرح کوتون:

طرح جانسون ضمن آنکه طی قطعنامه مشترک فوریه ۱۹۵۵ کشورهای عربی ذینفع رد شده بود، به دلیل آنکه لیتانی را شامل نمی‌شد، مورد توافق اسرائیل نیز نبود. اسرائیل به جای این طرح، در سال ۱۹۵۴ طرح کوتون را ارائه کرد که در واقع شکل تعدیل یافته طرح جانسون می‌باشد. بر اساس این طرح اسرائیل ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ متر مکعب از آب‌های اضافی لیتانی را در پروژه بزرگ آبیاری خود می‌گنجاند و قادر می‌شد حدود ۳۰۰/۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی را آبیاری نماید.^(۳) پیش‌تاز اساسی این طرح برقراری روابط دوستانه و همکاری نزدیک تل‌آویو - بیروت بود که به همین اعتبار ناکامی آن از قبل کاملاً آشکار بود. ناکام ماندن این طرح‌های همکاری منطقه‌ای موجب

1. Mostafa Dolatyar, op. cit, p. 605.

۲. محمد اسماعیل نوریان، پیشین، صص ۱۰۵-۱۰۴.

۳. مؤسسه «الارض»، ویژه مطالعات فلسطینی، پیشین، صص ۶۱-۶۰.

شد تا از اواخر دهه ۱۹۵۰ هر یک از دولت‌های حوزه رود اردن پروژه‌های جداگانه‌ای را در زمینه آب دنبال نمایند. اردن کانال غور شرقی که امروزه کانال ملک عبدالله نامیده می‌شود را برای تحقق پروژه عظیم آبیاری دره اردن احداث کرد و اسرائیل ساختمان کانال ملی آب را در ۱۹۶۴ به اتمام رسانید. این تحولات زمینه را برای مرحله سوم از سیاست‌های آبی اسرائیل مساعد کرد.

۳- مرحله سوم: سیاست اشغال سرمنشاء منابع آب‌های منطقه (۱۹۹۰-۱۹۶۷)

شکست طرح‌های مربوط به همکاری‌های منطقه‌ای در خصوص آب‌های مشترک و اقدام اسرائیل در ایجاد کانال ملی آب موجب گردید تا در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۵ جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر ایده انحراف مسیر رودهای کشورهای عربی را مطرح نماید. بر این اساس اتحادیه عرب تصمیم گرفت مسیر رودخانه‌های حاصبانی و بانیاس را منحرف ساخته و جریان آب را از طریق ارتفاعات جولان به یرموک منتقل کند. این امر موجب کاهش ۳۵٪ از جریان آب در قسمت علیای رود اردن می‌شد، لذا اسرائیل آن را تهدیدی جدی علیه امنیت ملی و به تعبیر شارون موجودیت خود دانسته و صراحتاً اعلام کرد که به هر شکل ممکن، مانع از تحقق آن خواهد شد.

۳-۱- بروز جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل

تحولات فوق از جمله دلایل اصلی بروز جنگ شش روزه ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل بودند. اسرائیل که در ۱۹۴۸ برای موجودیت خود پیکار می‌کرد اکنون برای تضمین دسترسی به منابع آب در رژیم نوپای خود وارد جنگ شده بود و آریل شارون که بعداً عهده دار وزارت دفاع اسرائیل گردید می‌گوید: مردم عموماً ۵ ژوئیه را روز آغاز جنگ شش روزه می‌دانند. این تاریخ رسمی جنگ است اما در وقایع جنگ دو سال و نیم پیش و در روزی که اسرائیل تصمیم گرفت علیه انحراف رود اردن وارد عمل شود، آغاز شد.^(۱) در جریان جنگ شش روزه هواپیماهای اسرائیلی طرح‌های سد سازی اعراب را بمباران کردند و پمپ‌های آب دریاچه طبریه را به کلی منهدم ساختند. اسرائیلی‌ها در

1. Mostafā Dolatyar, op. cit, p. 606.

آخرین ساعات جنگ به تخریب سد یرموک و کانال شرقی پرداخته و مآلاً بلندی‌های جولان را نه تنها به خاطر ملاحظات نظامی و استراتژیک بلکه به دلیل ذخایر آب آن به تصرف درآوردند.^(۱) اشغال کرانه غربی رود اردن و نوار غزه نیز در همین دوره صورت گرفت که در فصل گذشته برخی از زوایای اهمیت آن را برای اسرائیل باز گفتیم.

۲-۳. اشغال بلندی‌های جولان:

جولان مانند جنوب لبنان و خود فلسطین از گذشته‌های دور مورد طمع صهیونیسم بوده است. جولان بخشی کوهستانی به وسعت ۱۷۵۰ کیلومتر مربع از اراضی سوریه است که اسرائیل ۱۲۵۰ کیلومتر مربع از آن را در سال ۱۹۶۷ به تصرف درآورد. البته پس از جنگ ۱۹۷۳ و توافقاتی که در آن سال بین سوریه و اسرائیل حاصل شد، ۱۰۰ کیلومتر مربع از آن را به سوریه بازگرداند. طول جولان در جهت شمال به جنوب حدود ۶۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۲ تا ۲۵ کیلومتر است. اشغال این مناطق به اسرائیل این امکان را داد تا سربازان خود را در ۳۵ کیلومتری دمشق مستقر نماید، در حالی که نظامیان سوریه ۲۵۰ کیلومتر دور تراز تل‌آویو مستقر هستند.^(۲)

جولان موقعیتی سوق‌الجیشی و استراتژیک داشته و مکمل امنیتی سوریه محسوب می‌شود و برای این کشور همان نقشی را دارد که قفقاز برای روسیه و کانال پاناما برای آمریکا دارد. این منطقه ویژگی استراتژیک دیگری نیز دارد و آن منابع سرشار آب است.

اسرائیل با اشغال بلندی‌های جولان که دارای بارندگی‌های فراوانی هم می‌باشد. کنترل سرچشمه‌های رود اردن، رود حاصبانی، رود باناس در سوریه و چشمه دان را به چنگ آورده است.^(۳)

اوری افیری مفسر معروف اسرائیلی می‌گوید: «برای همه کسانی که معتقدند با پس دادن

۱. استادان دانشگاه زوریخ، پیشین، ص ۵۷۸.

2. Muhammad Muslih, "The Golan" Isreal, Syria, and Strategic Calculations", Middle East Journal, Vol. 47, No.4 (Autumn 1993), p. 621.

۳. فرانسواز شیپو، پیشین، ص ۸۵.

نقش آب در صلح اعراب و اسرائیل / ۱۶۷

جولان ما به صلح خواهیم رسید. باید روشن باشد که مسئله آب‌های اسرائیل را در محاسبات خود فراموش نکنند. بودن جولان در دست سوری‌ها به منزله این است که انتخاب و تصمیم‌گیری نسبت به منابع آب‌ها به آن کشور واگذار شود.^(۱)

اسرائیل پس از اشغال جولان به منظور تثبیت حضور همیشگی خود در آنجا استراتژی اسکان یهودیان در این منطقه را در پیش گرفت. این اقدام، احتمال استرداد جولان به سوریه را در آینده ضعیفتر می‌کرد و آن را با مشکلات عدیده همراه می‌ساخت. پیش از اشغال جولان توسط اسرائیل، جمعیتی بالغ بر ۱۳۰/۰۰۰ نفر سوری در ۱۳۹ شهر و روستای این منطقه سکونت داشتند؛ اما اکنون تنها ۱۶/۰۰۰ نفر آنان در ۵ روستای باقیمانده با مشکلات زیاد زندگی می‌کنند.^(۲) صهیونیست‌ها معتقدند که هر چقدر تعداد و مساحت شهرک‌های اسرائیلی در مناطق اشغالی بیشتر شود به همان میزان نیز قاعده دموگرافیک به نفع اسرائیل تغییر خواهد یافت.

بر اساس سیاست‌های اسرائیل، دولت‌های پی در پی این رژیم از سال ۱۹۶۷ توانسته‌اند ۶۰٪ از مساحت کرانه غربی فلسطین را که بالغ بر ۵۸۰۰ کیلومتر مربع است و ۴۰٪ از مساحت نوار غزه را که بالغ بر ۳۶۵ کیلومتر مربع می‌باشد، مصادره کنند. همچنین در این مدت ۱۵۰ شهرک صهیونیست‌نشین در کرانه غربی و ۱۰ آبادی در بخش شرقی شهر بیت‌المقدس بنا شده است. تا پایان ۱۹۹۵ در حدود ۳۱۷/۰۰۰ صهیونیست در این شهرک‌ها اقامت یافته‌اند. علاوه بر موارد فوق، اسرائیل ۳۶ شهرک در بلندی‌های جولان احداث کرده که تا پایان سال ۱۹۹۵ حدود ۱۲۳/۰۰۰ نفر در آن‌ها اقامت گزیده‌اند.^(۳) جدول شماره (۱-۶) شهرک‌سازی توسط رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی را تا دسامبر ۱۹۹۵ نشان می‌دهد.

۱. مؤسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، پیشین، ص ۸۱.

2. Muhammad Muslih, op. cit., p. 628.

۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۷۵/۱۲/۱۶ به نقل از الهداف، شماره ۱۲۵۵.

جدول (۱-۶): شهرک سازی توسط رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی تا دسامبر ۱۹۹۵

منطقه	تعداد شهرک ها	تعداد شهرک نشین ها	شهروندان عرب
کرانه غربی	۱۵۰	۱۴۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰
بیت المقدس شرقی	۱۰ منطقه	۱۷۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰
نوار غزه	۱۶	۶۰۰۰	۸۳۰۰۰۰
بلندی های جولان	۳۶	۱۲۰۰۰	۱۵۰۰۰
جمع	۲۱۲	۳۲۹۰۰۰	۲۰۲۵۰۰۰

منبع: جفری آرونسون، آینده آبادی های اسرائیلی در کرانه غربی و نوار غزه (بیروت: مؤسسه بررسی های فلسطین، ۱۹۹۶) ص ۱.

توسعه طلبی های ارضی - آبی اسرائیل به تصرف کرانه های غربی رود اردن، نوار غزه و بلندی های جولان ختم نمی شود. تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۷۸ نیز در همین راستاست.

۳-۳- تجاوز اسرائیل به خاک لبنان (۱۹۷۸)

تجاوز ۱۹۷۸ اسرائیل به خاک لبنان که به «عملیات لیتانی» مشهور است، به اشغال بخشی از جنوب لبنان شامل قسمتی از بقاع غربی واقع در سرحدات جنوب تا رودخانه لیتانی انجامید. یکی از اهداف عمده اسرائیل از این اقدام اشراف بر مسیر رودخانه لیتانی بود، اگر چه برای آن بهانه های امنیتی می تراشید و اعلام می کرد که به محض تحقق «شرایط امنیتی ویژه برای اسرائیل» این منطقه را تخلیه خواهد کرد. استقرار قابل تأمل ارتش صهیونیستی در مناطق خاصی اسرائیل را قادر می ساخت مجرای رودخانه لیتانی را به سوی اسرائیل تغییر دهد از یک سو، و امتداد نوار مرزی امنیتی تا شمال سد مهم رودخانه لیتانی - که کنترل دریچه های خروجی آب سدها را در اختیار اسرائیل می گذاشت؛ از سوی دیگر، به خوبی نشانگر سنگینی کفه ملاحظات آبی در ترازوی اهداف

اسرائیل از طراحی این عملیات بود.

اصولا استراتژی اسرائیل در جنوب لبنان مبتنی بر دو اصل زیر است: تخلیه مناطق اشغالی از اهالی عرب منطقه و ادامه اشغال منطقه جنوب شرقی لبنان که از اهالی آن خالی شده تا زمان پایان یافتن ساختمان پروژه انتقال رودخانه لیتانی به داخل اسرائیل. برای تأمین دو هدف فوق ارتش اسرائیل در جنوب لبنان سیاست «زمین سوخته» را در پیش گرفت. اقدام اوت ۱۹۸۴ این رژیم در حصار کشیدن دور زمینی به طول یک کیلومتر در اطراف سرچشمه‌های رود وزانی و ممانعت از ورود ناظران سازمان ملل به این منطقه به خوبی موید مدعای فوق است. مقامات اسرائیلی قبلاً اعتراف کرده بودند که بجای اینکه دو رود وزانی و حاصبانی به دریاچه طبریه ریخته و از آنجا به اسرائیل سرازیر شوند (یعنی وضعیتی که هم اکنون وجود دارد) درصدد آزمایش طرح‌های انتقال سیستم آب دو رود یاد شده به اسرائیل می‌باشند که به وسیله شاه لوله‌های زیرزمینی و بدون عبور از دریاچه طبریه انجام شود.^(۱)

همانگونه که در بالا دیدیم اسرائیل که در فاصله سال‌های ۶۷-۱۹۴۸ به تحکیم ساختارهای سیاسی - نظامی خود پرداخته بود، در مقطع پس از آن از جنگ به عنوان یکی از شیوه‌های عمده حصول اهداف خویش استفاده کرده و از این طریق همزمان سه هدف را دنبال کرده که اغلب اوقات نیز به سه هدف دست یافته است. این اهداف عبارتند از: تحکیم موقعیت سیاسی - اقتصادی اسرائیل و تأمین خود اتکایی آن از جمله در بعد دستیابی به منابع آبی؛ کسب کمک‌های مالی بیشتر از خارج و توسعه ارضی به منظور جذب بیشتر یهودیان از نقاط مختلف جهان.

این سیاست‌ها که تا دهه ۱۹۷۰ با موفقیت کامل همراه بود، از آن پس، به ویژه بعد از جنگ ۱۹۷۳ (که اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل را شکست) و بالاخص پس از فروپاشی شوروی و تأثیر شگرف آن بر نظام بین‌الملل، دستخوش تغییر شد. شرایط جدید بین‌المللی و منطقه‌ای همراه با پاره‌ای ملاحظات خاص داخلی، اسرائیل و اعراب هر دو را، به بازنگری در سیاست‌های پیشین خود

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: مقاله «جنگ آب و تجاوزات مستمر رژیم صهیونیستی» ترجمه و تلخیص سید علی قزوینی، روزنامه همشهری مورخ ۷۲/۲/۸.

و داشت و زمینه را برای آغاز مرحله‌ای جدید در سیاست‌های آبی اسرائیل فراهم کرد. پیش از بیان ویژگی‌های سیاست آبی اسرائیل در این مقطع به نظر می‌رسد، لازم است شمایی از تحولات رخ داده که زمینه‌ساز تجدید نظر در این سیاست‌ها شده است، ارائه گردد.

● مذاکرات اعراب و اسرائیل

سرخوردگی ناشی از سال‌ها مبارزه ناکام اعراب و اسرائیل از یک سو و پیروزی‌های نظامی آن رژیم که اوج آن در دهه ۱۹۶۰ بود از سوی دیگر، اعراب را متقاعد به پذیرش این رژیم به عنوان یک واقعیت عینی و غیر قابل حذف کرد. آنان براساس ارزیابی شرایط حاصله از جنگ، از جمله توانایی‌های اسرائیل، پشتوانه‌های عمده بین‌المللی آن و ضعف نسبی عوامل بین‌المللی مورد اتکای خود، پذیرش قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت را مناسبترین گزینه سیاسی تشخیص دادند و با قبول مفاد آن، تلویحاً در اصول اولیه خود تجدیدنظر کردند. از سوی دیگر به طور ضمنی تفکیک مسئله فلسطین را از مسائل کشورهای همسایه درگیر با اسرائیل پذیرا شدند.^(۱)

جنگ ۱۹۷۳ که در واقع هدف آن بر خلاف جنگ‌های قبل نه نابودی اسرائیل، بلکه بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته سینا و ارتفاعات جولان بود، تحول دیگری است که در حقیقت با اهداف سیاسی و جهت ایجاد زمینه مناسب برای دستیابی به صلحی موجه صورت گرفت. اولین نتیجه مورد انتظار از جنگ ۱۹۷۳ انعقاد معاهده کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ بود. این معاهده از تحقق مفاد قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت فراتر رفته و اصول جدیدی ناظر بر همکاری‌های گسترده بین مصر و اسرائیل ارائه کرد. معاهده کمپ دیوید اگر چه موجب اخراج مصر از اتحادیه عرب شد، اما در کمال شگفتی نهایتاً کشورهای دیگر عرب را نیز به سمت اتخاذ همین موضع کشانید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و اوجگیری نهضت‌های اصیل اسلامی با الهام از آرمان‌های انقلاب اسلامی که بهانه لازم را برای چرخش نوک پیکان خصومت اعراب و

۱. داوود باوند، «پان ساماتیسیم و استراتژی جدید منطقه‌ای اسرائیل» فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۳، (زمستان ۱۳۷۳)، ص ۴۹۴.

اسرائیل به سوی ایران فراهم آورد، نیز موجب تسریع روند فوق شد. طرح صلح ۱۹۸۲ فهد و طرح صلح ۱۹۸۲ سران عرب نیز با الهام از معاهده کمپ دیوید ارائه شد. این طرح‌ها همراه با برنامه صلح ۱۹۸۸ شورای ملی سازمان آزادیبخش فلسطین که ناظر بر قبول قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت بود، تغییر جهت عمومی سیاست‌های اعراب را در پی داشت.^(۱)

سیاست اسرائیل نیز از دهه ۷۰ به بعد در برخورد با موانع متعدد به سمت تعدیل پیش رفت. این رژیم که در سایه تجاوزات و جنگ‌های خود به اغلب اهداف توسعه ارضی و آبی خویش در منطقه رسیده بود، به تدریج با افزایش شدید جمعیت روبرو گردید. به گونه‌ای که منابع و امکانات آن (حتی آنچه در اثر تجاوزات اخیر بدست آورده بود نیز) تکافوی نیازمندی‌های آن را نمی‌داد. تحولاتی نظیر تجاوز نافرجام ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان و اوجگیری نهضت انتفاضه به عنوان پاسخی طبیعی به خشونت‌های صهیونیستی، نیز عدم کارآیی شیوه‌های زورگویانه رانشان داد. حفظ حالت بسیج نظامی که سال‌ها ادامه یافته بود هم، هزینه‌های مادی و تبعات اجتماعی سنگینی داشت که اسرائیل نه توان پرداخت آن را برای مدت‌های طولانی داشت^(۲) و نه اصولاً تداوم این شیوه را امر اجتناب‌ناپذیر و لازمی تلقی می‌کرد. عزیمت سیل مهاجران یهودی از شوروی به اسرائیل نیز مزید بر علت شده بود. فروپاشی شوروی، خاتمه جنگ سرد و تحولات شگرف نظام بین‌الملل که همزمان موجب کاهش گرایش‌های ستیزه‌جویانه اعراب علیه اسرائیل و به تبع آن کم رنگ شدن بهانه‌های سیاسی - تبلیغاتی اسرائیل برای کسب کمک‌های گسترده خارجی می‌گردید، همه و همه اسرائیل را مجبور به ایجاد تحولی در استراتژی سنتی خود نمود و آن را متقاعد ساخت که امکان تحقق همزمان کلیه اهدافش وجود ندارد. طرح شعار «زمین در برابر صلح» که هسته اصلی مذاکرات سازش اعراب و اسرائیل است، حاصل چنین تحولاتی بود.^(۳) اکنون اسرائیل پذیرفته است که صلح

۱. همان منبع، ص ۴۹۵-۴۹۶.

۲. اسرائیل با کسر بودجه شدید و تورم بالایی که برخی منابع رقم آن را تا ۲۰۰ درصد ذکر کرده‌اند، دست به گریبان است.

۳. جناح لیکود عقیده دارد که موافقتنامه اسلو اشتباهی است که حزب کارگر مرتکب آن شده و به همین دلیل عملاً درصدد تجدیدنظر در اصل زمین در برابر صلح است و اتخاذ استراتژی «صلح در برابر صلح» را تنها راه جبران آنچه اشتباه حزب کارگر عنوان می‌کند، می‌داند. اتخاذ سیاست شهرک‌سازی‌های گسترده، تعلل در خروج از مناطق اشغالی و

بهای درخوری می‌طلبد و این هزینه هر چقدر زیاد باشد، کمتر از بهایی است که تداوم وضع موجود طلب می‌کند.

مجموع این تحولات بذر مصالحه را در زمینه‌ای که سال‌ها عرصه خصومت‌های جدی و دامن‌گستر بود، پاشید و به مذاکرات اعراب و اسرائیل انجامید. مذاکرات ابتدا مخفی و سپس آشکار اعراب و اسرائیل و یازده دور گفتگوهای آنان در مادرید و کشورهای دیگر محصول این فرایند بود. نخستین بهره‌ای که اسرائیلی‌ها از اولین گام مذاکرات بردند پشت پا زدن به قطعنامه‌های شورای امنیت و شکستن سد پیش شرط‌های اعراب و به عبارت دیگر ذوب شدن یخ‌های روابط اعراب - اسرائیل بود.^(۱)

به این ترتیب راه برای امضاء موافقتنامه غزه - اریحا، بین سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل و به فاصله کوتاهی پس از آن، موافقتنامه سازش اردن و اسرائیل باز شد. این اقدامات قبح روابط اسرائیل را از بین برده و زمینه را جهت سازش‌های دیگر کشورهای عرب با اسرائیل هموار ساخت.

اکنون پس از شرح مختصری که از روند سازش اعراب و اسرائیل ارائه شد به بحث گذشته خود باز می‌گردیم و چهارمین مرحله از سیاست‌های آبی اسرائیل را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۴- مرحله چهارم: بازگشت به سیاست‌های چانه‌زنی (۱۹۹۱)

اسرائیل که با توجه به قابلیت‌ها و توانایی‌های صنعتی و تکنولوژیکی خود همکاری‌های اقتصادی را ایده‌آل‌ترین شیوه حفظ و تقویت سلطه و سیادت منطقه‌ای خویش می‌داند، از فرصت مغتنمی که مصالحه اعراب با این کشور ایجاد کرد استفاده نموده و مذاکرات دو و چند جانبه‌ای را با همسایگان نزدیک و برخی از کشورهای عربی خاورمیانه در خصوص همکاری‌های منطقه‌ای،

اعلام صریح مخالفت با خروج از جولان که مغایر توافقات اسلو می‌باشد، از شواهد این مدعا هستند.
۱. سید محسن توکلی، «صلح اعراب و اسرائیل: توطئه جدید در خلیج فارس»، مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۲۷۳.

اقتصادی و صنعتی آغاز کرد. از میان طرح‌هایی که ارائه و پیگیری گردیده همکاری‌های در زمینه آب و محیط زیست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. معاهده سازش اردن و اسرائیل یکی از شواهد عینی این مدعاست. این معاهده ۵ ضمیمه دارد که دو مورد از آن‌ها به آب و محیط زیست اختصاص دارند. ضمن اینکه ماده ۶ آن نیز منحصرأً به موضوع آب پرداخته است. اسرائیل در این مقطع مذاکرات دو جانبه‌ای را با همسایگان و گفتگوهای چند جانبه‌ای را با دیگر کشورهای خاورمیانه عربی در خصوص همکاری در زمینه آب آغاز کرده است که ذیلاً به تفکیک به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- مذاکرات دو جانبه

۱-۱- مذاکرات اردن و اسرائیل

اردن و رژیم اسرائیل بیش از دیگر کشورهای حوزه رود اردن با مشکلات آبی روبرو هستند. آن‌ها برای حل مشکلات و نارسایی‌های آبی خود در دهه ۵۰ همکاری نزدیکی (البته به صورت منفرد) با آمریکا در خصوص بررسی منابع آب منطقه و نحوه تسهیم آن‌ها داشتند. این دو کشور به اریک جانسون در تهیه طرح معروفش کمک کردند و در عمل نیز بدون پذیرش رسمی طرح وی، مدت‌ها به پاره‌ای از موارد مطروحه در آن وفادار ماندند.^(۱)

دو کشور در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ معاهده‌ای را امضا کردند که ماده ۶ و ضمیمه شماره ۲ آن به موضوع آب و همکاری‌ها در زمینه آن اختصاص دارد. در این معاهده و ضمیمه آن - که در واقع شامل جزئیات التزامات دو کشور در خصوص اجرای مفاد ماده ۶ معاهده مذکور است - طرفین به یک سری توافقات کلی دست یافتند که اهم آن‌ها عبارتند از: توافق در زمینه تسهیم عادلانه آب‌های اردن، یرموک و منابع آب‌های زیرزمینی وادی عربی؛ تعهد طرفین نسبت به عدم توسعه منابع آبی خود به شکلی که موجب اضرار دیگری گردد؛ تأکید طرفین بر مبادله اطلاعات و همکاری در ایجاد پروژه‌های آبی منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری در ممانعت از آلوده شدن آب‌های مشترک.

1. Frederic C. Hof, "The Yarmouk and Jordan Rivers in the Israel- Jordan Peace Turkey", Middle East Policy, Vol. III, No.4, (April 1995), p. 47.

۲-۱- مذاکرات اسرائیل و سوریه:

مذاکرات سازش سوریه و اسرائیل که دور اول و دوم آن در ۶ و ۱۳ دیماه ۱۳۷۴ در واشنگتن برگزار شد، عمدتاً به دلیل مسئله بلندی‌های جولان متوقف گردید. حافظ اسد در ۲۰ شهریور ۱۳۷۳ در جریان گشایش پارلمان جدید سوریه اعلام کرده بود که کشورش صلح کامل را در برابر عقب‌نشینی کامل اسرائیل از تمام جولان خواهد پذیرفت. رابین نخست وزیر وقت اسرائیل نیز با بیان این جمله که «یهودیان هرگز به سوی جولان نماز نگذاشته‌اند»^(۱) به طور ضمنی رضایت دولت‌ش را نسبت به معامله جولان با صلح اعلام کرد. وی در جای دیگری با تصریح بیشتری اعلام کرد که معاهده صلح با سوریه می‌تواند دربرگیرنده خروج اسرائیل از جولان باشد و شرط تحقق آن را پذیرش این موضوع از طریق فرمانده عمومی در اسرائیل دانست.^(۲) پرز یک گام جلوتر رفته آمادگی دولت خود را برای خروج اسرائیل از جولان اعلام کرد وی در توجیه این سیاست در تاریخ ۲۵ آذر ماه ۱۳۷۴ گفت: «صلح کامل بهای در خوری می‌طلبد». تا این هنگام اسرائیل به فرمول تلفیقی از عقب‌نشینی تدریجی از جولان همزمان با عادی سازی روابط با سوریه راضی شده بود. اما سوریه همچنان بر عقب‌نشینی کامل اسرائیل از جولان و جنوب لبنان قبل از هر گونه بحثی در خصوص عادی سازی روابط تأکید داشت.

پیروزی جناح لیکود در اسرائیل مشکلات را پیچیده‌تر کرد. آنان معتقد بودند که موافقتنامه اسلو اشتباه بزرگی بود که حزب کارگر مرتکب شد و نتانیا هو صراحتاً اعلام کرد که مردم اسرائیل او را به عنوان نخست وزیر انتخاب کرده‌اند تا وعده‌های رابین - پرز را در خصوص عقب‌نشینی از جولان اجرا نکند.^(۳)

وی همچنین در مصاحبه با مجله فرانسوی فیگارو در پاسخ به این سوال که آیا بر سر بلندی‌های جولان مذاکره و معامله می‌کنید؟ گفت:

۱. حسین سیف‌زاده، «ایران و صلح اسرائیلی خاورمیانه: چالش‌های آینده»، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۳، (زمستان ۱۳۷۳)، ص ۴۸۶.

2. Mostafa Dolatyar, op. cit, pp. 610-611.

۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲.

«هرگز! ما باید جولان را به دلایل استراتژیک، تاریخی و اقتصادی حفظ کنیم. باید توجه داشت که یک چهارم منابع آبی اسرائیل از بلندی‌های جولان تأمین می‌شود چرا باید منابع آبی خود را واگذار کنیم؟ این یک موضوع اساسی است: بدون نفت می‌توان زندگی کرد اما بدون آب هرگز».^(۱)

۱-۳. مذاکرات اسرائیل و فلسطینی‌ها:

در مذاکرات دو جانبه فلسطینی‌ها و اسرائیل موضوع آب یکی از بغرنجترین موضوعات است. از هنگامی که سالانه ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ متر مکعب از آب‌های زیرزمینی مناطق اشغالی استحصال می‌گردد، بسیاری از نویسندگان و محققان خاورمیانه معتقدند که آب است که آینده صلح و امنیت منطقه را تعیین می‌کند. صلح نهایی مستلزم صرفنظر کردن اسرائیل از کرانه غربی رود اردن است که ۲۵٪ آب شیرین آن کشور را تأمین می‌کند و کنترل جنوب رود اردن را در اختیارش می‌گذارد و این کاری است که اسرائیل به سختی قادر به انجام آن خواهد بود. تعقیب ایده مرزهای امن از سوی رهبران اسرائیل به خوبی نشان می‌دهد که آنان به آسانی تسلط خود بر منابع آب منطقه را از دست نخواهند داد.^(۲)

رژیم اسرائیل متعهد شده است که تا ماه اوت ۱۹۹۸ دومین و آخرین مرحله از خروج نیروهای خود از کرانه باختری رود اردن را به اتمام برساند. این تعهدات در حالی مطرح می‌شوند که سیاست شهرک‌سازی از سوی اسرائیلی‌ها در جای‌جای مناطق اشغالی قویاً دنبال می‌شود و در واقع به قول دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین آنچه فلسطینی‌ها تا کنون از موافقت‌نامه‌های اسلو ۱ و ۲ بدست آورده‌اند تسلط بر ۲/۵٪ از مساحت فلسطین بدون داشتن حاکمیت بر آن است.^(۳)

۱. روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۸.

2. Mostafa Dolatyar, op. cit, pp. 611.

۳. بنگرید به: «گفتگو با رمضان عبدالله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین»، روزنامه اطلاعات مورخ ۲۳ بهمن ۱۳۷۵ به نقل از الشعب، ترجمه اسماعیل اقبال.

اسرائیل که نتیجه در خور اعتنایی از مذاکرات دو جانبه با همسایگان خود در حوزه اردن در مورد منابع آب منطقه بدست نیاورده به موازات این تلاش‌ها، سعی کرده است در چارچوب اقدامات و همکاری‌های جمعی منافع مورد نظر خویش را کسب نماید.

۲- مذاکرات و اقدامات جمعی:

اسرائیل پس از آغاز مذاکرات صلح دو موضوع را در بعد همکاری‌های چند جانبه منطقه‌ای شدیداً دنبال کرده است. نخست طرح تأسیس یک شبکه انتقال آب منطقه‌ای است که آب را از مناطق پر آب به نواحی کم آب منتقل نماید و دوم شیرین‌سازی وسیع آب‌هاست. آنان می‌گویند کشورهای منطقه در صورت تداوم شرایط موجود ظرف ۱۰ الی ۲۰ سال آینده با چنان مشکلاتی مواجه خواهند گردید که قادر به ادامه حیات نخواهند بود. تنها راه حل این مشکلات همگرایی منطقه‌ای است. اسرائیل معتقد است که کشورهای منطقه از امارات و یمن گرفته تا تمام شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، لبنان، اردن و سوریه بایستی ۱٪ از درآمدهای خود را به توسعه منطقه‌ای اختصاص داده و همراه با اسرائیل همان راهی را که کشورهای نفتا، آسه آن و اتحادیه اروپا طی کرده‌اند، طی نمایند. در واقع طرح آنان این است که پول نفت اعراب و تکنولوژی اسرائیل تلفیق شوند و محور اصلی همکاری‌های منطقه‌ای گردند. در چنین صورتی می‌توان شیرین‌سازی اتمی یا خورشیدی آب را به صورت یک طرح اقتصادی مقرون به صرفه دنبال کرد.^(۱)

آمریکایی‌ها نیز در جریان مذاکرات اعراب و اسرائیل به دو طرف پیشنهاد کردند که تأسیسات مشترک آب شیرین‌کنی را به عنوان یکی از جذابترین اقدامات اعتمادساز که منابع ارزشمندی نیز برای آنان دارد، دنبال نمایند و به‌طور مشخص به پروژه آب شیرین‌کنی مشترک اسرائیل و اردن در مرز ایلات و عقبه اشاره نمودند. آنان در توجیه طرح‌های خود استدلال می‌کردند که بهای این تأسیسات هر چقدر بالا باشد، کمتر از هزینه‌ای خواهد بود که یک جنگ جدید به این

1. Mostafa Dolatyar, op. cit, pp. 611- 612.

کشورها تحمیل خواهد کرد.^(۱)

از جمله تحولاتی که در راستای همکاری‌های منطقه‌ای در این دوره قابل توجه است، کنفرانس آب مسقط و حضور اسرائیل در آن است. حضور اسرائیل در پنجمین اجلاس کنفرانس آب که از ۱۷ تا ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ در مسقط برگزار شد، نقطه عطفی در تحولات مربوط به سازش خاورمیانه به شمار می‌رود. اهمیت این کنفرانس به ویژه از نظر کشورهای غربی بدان جهت بود که برای اولین بار یک کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، میزبان یک هیأت بلند پایه اسرائیلی بود. هیأت ۲۳ نفره اسرائیل به سرپرستی معاون وزیر امور خارجه که در جمع نمایندگان ۴۲ کشور دیگر و نیز سه سازمان بین‌المللی، با بیشترین تعداد اعضا ظاهر شده بود و تعداد ۱۷ نفر خبرنگار همراه این هیئت، نشانگر اهمیت سیاسی و تبلیغاتی حضور اسرائیل در این اجلاس بود. این اجلاس در واقع مجوز رسمی ورود اسرائیل به جرگه اعراب بود و راهگشای همکاری‌های آتی آنان به شمار می‌آید.^(۲)

در مجموع می‌توان گفت که مذاکرات به عمل آمده، فصل جدیدی از چانه‌زنی‌های سیاسی را به روی دو طرف گشوده است. در سایه این مذاکرات، از یک طرف اعراب در صدد بازیافتن اراضی و آب‌های از دست رفته خویشند و از سوی دیگر اسرائیل با بی‌ثمر خواندن مناقشات موجود که از دهه‌های قبل همچنان ادامه داشته، در صدد دستیابی به منابع جدید آب، بدون از دست دادن سلطه و سیادت منطقه‌ای خویش است. بی‌شک محصول طبیعی چنین استراتژی‌هایی تداوم مناقشات خواهد بود.

● نتیجه‌گیری

بحران آب در حوزه رود اردن همانگونه که دیدیم از دیگر حوزه‌های رودخانه‌ای خاورمیانه، جدی‌تر است. ناهمگونی سیاسی، خصومت‌های پر دامنه و ریشه‌دار اعراب و اسرائیل و

1. John Bulloch and Adel Darwish, op. cit, p. 146.

۲. محمد اسماعیل نوریان، پیشین، ص ۱۲۰.

کمبود و نارسایی‌های شدید آبی در منطقه، درهم آمیخته و وضعیت بسیار نگران کننده‌ای را ایجاد کرده و راه‌حل‌های فنی در این حوزه نیز تا اندازه‌ای بن بست سیاسی را تداوم بخشیده است. برنامه کار آب در حوزه رود اردن تقریباً به طور کامل بر اساس منافع و جاه‌طلبی‌های اسرائیل دیکته می‌شود. اسرائیل در حال حاضر حاکمیت عملی بر سیستم رودخانه‌ای منطقه و بیشتر آبهای زیرزمینی آن را دارد. به گونه‌ای که برابر گزارش سازمان ملل متحد ۶۷٪ آب مورد استفاده آن از منابعی به دست می‌آید که در خارج از مرزهای ۱۹۴۸ این رژیم قرار دارد.

اسرائیل علیرغم طرح شعار "صلح در برابر زمین" که مبنای مذاکرات اعراب و اسرائیل قرار گرفت، پس از تحمیل موجودیت خود به اعراب و کسب شناسایی این موجودیت از سوی آنان، سیاست‌های توسعه‌طلبانه گذشته خود را همچنان ادامه داد. تجلی این امر را در اقداماتی نظیر شهرک سازی‌های وسیع در مناطق اشغالی، تعلل در خروج از مناطق اشغالی و انکار قطعی خروج از جولان و مذاکره در خصوص بیت‌المقدس می‌توان دید. تلاش فلسطینی‌ها در طول جریان مذاکرات نه برای بازپس‌گیری منابع آبی خود، بلکه حاکمیت مشترک بر آن همچنان ناکام مانده است. رویه‌های عملی اسرائیل پس از شروع مذاکرات سازش، یادآور همان سیاست رسمی و سنتی است که پیشتر از سوی دان اسلاوسکی کمیسیونر پیشین آب اسرائیل اعلام شده بود:

«حتی در زمان صلح، اسرائیل مایل نیست به منابع آب کشورهای همسایه وابسته باشد».^(۱)